روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۴ اسفند ۱۳۹۵ • ۲۴ جمادی‌الاول ۱۴۳۸ • ۲۲ فوریه ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۱۰ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۱۱ • اذان صبح‌فردا ۵:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۴۲

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

ماجرای عشق و عاشقی میدون

تست کاندیداتوری

پوریا عالمی

● شـاید برای شما سؤال باشـد که آیا می‌توانید شما هم کاندیدا بشـوید یا نه؟ کاندیدای هر چی حالا. مثلا ریاست‌جمهوری، شورا یا مجلس. تست زیر را بزنید تا متوجه بشوید:

من از لحاظ علمی و دانش.....

۱- خیلی ورزشکارم

۲- خیلی کشتی‌گیرم

۳- خودم صاحب نظریه‌ام و نظر هیشـکی را قبول ندارم

۴- تا ۱۰ بلدم بشمارم

مـن از لحـاظ اجتماعی و مسـئولیت‌پذیری اجتماعی.....

۱- «افق زاویه بدنم» با افق مردم یکی است

۲- عکس دوست دارم

۳- مـن خیلی اجتماعی‌ام و وقتی ازم سـؤال کنند می‌خندم

۴- مـن به مسـئولیت‌پذیری اعتقـاد ندارم و میهمان‌پذیـرم و دوسـت و آشـنایان را میهمان می‌کنم و برایشان نامه می‌نویسم

من از لحاظ تخصص .....

۱- خیلی متخصصم و توی خانه شیر چکه کند خودم عوض می‌کنم و اصلا تخصصم این است که شیر مملکت هم چکه کرد سریع عوض کنم

۲- خیلی متخصص هستم که به کی چطوری حال بدهم

۳- تخصصم این اسـت که چون هیچ کاری از دستم برنمی‌آید، بیایم کاندیدا شوم

۴- تخصـص چیز مهمی اسـت اما مـا نباید خانواده را فراموش کنیم و من تخصصم این است که فامیل‌هایم را بیاورم سر کار

چرا باید مردم به شما رأی بدهند؟

۱- چون کی از من بهتر؟

۲- چون من بی‌کارم و مردم هم بی‌کارند و یک دِه آباد بهتر از صد شهر خراب است

۳- چون من به بچه‌ام قول دادم که تلویزیون نشانم بدهد

۴- چـون اگر بـه مـن رأی ندهند مـن توی اینستاگرام بلاک‌شان می‌کنم

اگر رأی بیاورید چه می‌شود و چه کار می‌کنید؟

۱- با زانو می‌افتم توی عسل و به به

۲- باقالی جمع می‌کنم

۳- سریع بارم را می‌بندم

۴- می‌روم مرحله بعد.

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

بازار داغ آمریکا و روسیه در فروش اسلحه

کارنامه

لایحه‌ای برای دفاع از آزادی مردم

هاشم صباغیان

از برجسـته‌ترین نقاط کارنامه سه‌سال‌واندی دولت یازدهم، نگارش و تصویب لایحه حقوق شهروندی است که به نظر می‌رسـد می‌تواند در صد روز پیش‌رو، نقشه راه دولت در اولویت‌های کاری‌اش باشـد؛ به‌ویژه اینکه این لایحه نویـد قانون‌مداری و توجـه به ظرفیت‌های قانونـی قوه مجریـه در بحث آزادی‌هـای اجتماعی و مدنی را می‌دهد. البته صد روز فرصت و زمان کافی برای اجرای بسـیاری از برنامه‌ها و توجه به بخشی از قوانین مغفول‌مانده در این سه‌سـال‌واندی نیسـت؛ اما به نظر می‌رسـد رئیس‌جمهوری می‌تواند با برنامه‌ریزی و کار اجرائی مستمر، به دو مسئله مهم و حیاتی در جامعه و اقتصاد کشور توجهی ویژه داشته باشد.

امروز بیش از هـر زمانی، در جامعه نیازمند اجرای قانون اساسـی هستیم و این مهم از یک سو به صورت قانونـی بـر عهده قوه مجریـه بوده و از سـوی دیگر، توقع و خواسـته مردم از نهاد اجرائی کشور و شخص رئیس‌جمهور اسـت. به نظر می‌رسد با به‌پایان‌رسیدن نگارش لایحـه حقوق شـهروندی و تصویـب آن در مجلس، در این صد روز شـخص رئیس‌جمهور باید با اختصاص نیروی اجرائی لازم برای پیگیری اجرائی‌شدن ایـن لایحه، مردم را با چندوچـون روند آن همراه کند. اجرای قانون اساسـی و پیگیری اجرائی‌شـدن لایحه حقوق شـهروندی از ایـن زاویه دارای اهمیت اسـت که می‌توانـد مبنای تکیه دولت بـر آزادی بیان و قلم باشـد؛ موضوعی که فردفرد جامعه به آن احساسـی خاص دارند و اجرائی‌شـدن آن را در سایه عمل دقیق رئیس‌جمهور به مسئولیت‌های قانونی خود می‌دانند.

مسـئله دیگر که از بُعد اقتصادی می‌تواند اولویت اصلی دولت آقای روحانی در صد روز پیش‌رو باشـد، مسـئله رفع بی‌کاری با روش‌های کوتاه‌مدت اسـت. نگاهی به آسیب‌های اجتماعی مختلفی که در جامعه وجـود دارد، حاکی از آن اسـت که مسـئله بی‌کاری و به‌ویـژه بی‌کاری جوانـان امروز، به بروز بسـیاری از حوادث، چالش‌های اجتماعی و... انجامیده؛ اما مشکل دولت این است که نمی‌تواند در این فرصت کوتاه با افق دید رفع مشکلات و چالش‌های اجتماعی به ایجاد کار و اشتغال در جامعه بیندیشد. راهکاری که معمولاً در چنین شـرایطی پیشنهاد می‌شود، روی‌آوردن دولت به سمت حِرَف و فعالیت‌هایی است که به دلایل مختلف، امروز یـا با تعطیلی مواجه‌اند یا بـا تعدیل نیروی کار. طبعا نمی‌توان انتظار داشـت که دولت در یک فرصت کوتاه‌مدت و ضرب‌الاجلی، میزان اشـتغال در کشور را به‌سرعت رشد دهد؛ اما می‌تواند با اختصاص وام‌های کوتاه‌مدت و ایجاد زمینه دریافت تسهیلات برای صنایع کوچک و کارگاه‌هایی که در روزهای رکود و مشـکلات اقتصـادی دچار افت تولید و به‌تبـع آن کاهش نیروی کار شده‌اند، چراغ اشـتغال و بازگشت به کار جوانان و کارگران را فراهم کند. در صورت دایرشـدن این صنایع یا بازگشـت به ریل تولید و فعالیت با حداکثر ظرفیت، می‌توان امیدوار بود که دولت در همین فرصت اندک، توانسـته هزاران نفر را با بازگرداندن به فضای کار از آسـیب‌های اجتماعی دور کند و جامعه را به سـمت جامعه‌ای ایمن، مسئولیت‌پذیر و سازنده پیش ببرد.

کنار هـم قرارگرفتن ایـن دو اولویت بـه این معنا نیسـت که یکی را می‌تـوان در پرتوی دیگـری نادیده گرفت؛ بلکه به نظر این‌جانب، اهمیت ایجاد شـرایطی بـرای آزادی بیشـتر در جامعه به حدی اسـت که در نبودِ چنین تلاشـی، نمی‌توان امیدوار به پیشـرفت در حوزه‌هـای دیگر بود. آقـای روحانی بـا تدوین لایحه حقوق شـهروندی نشان داده مسـئله اجرای قانون و به‌تبـع آن آزادی، برایش از اهمیـت بالایی برخوردار اسـت و من هـم امیدوارم همیـن رونـد در صد روز دیگر نقشـه راه ایشـان باشـد و مصمم‌تر از قبل برای اجرائی‌شدن آن وارد عمل شوند.

مشتری کافه خیابان وسط

ضرورت یک استحاله

مهرداد حجتی

«دست‌راسـتی» پیش از بازگشت به مسکو گفتـه بـود که هرچنـد وقت یک‌بار به کشـور بازمی‌گردد تـا با ما در کافه ملاقـات کند. بعد هم با «ایرفلوت» فِرست‌کلاس رفت تا بار دیگر در یخبندان روسیه از پشـت شیشه بخارگرفته کافه‌ای در مسکو برای ما نامه بنویسد که البته نوشت. نوشت که اوضاع از این بهتر نمی‌شود. در هر کافه‌ای که می‌نشینی عکس «ترامپ» در کنار عکس «پوتین» بر دیوار نقش بسته! همه‌جا صحبت از اوسـت. بعضی‌ها اعتقـاد دارند او اصالتا روس اسـت! حتی در افسانه‌سازی پا را فراتر برده‌اند و می‌گویند نام خانوادگی‌اش ابتدا «ترامپوف» بوده بعد کـه پدربزرگش به آمریکا مهاجرت کرده، شـده «ترامپ»! حتی می‌گویند این ازدواج آخرش هم براسـاس همین گرایش به سـرزمین اجدادی‌اش بـوده! قیافه‌اش هم همیـن را می‌گویـد. معلوم اسـت کـه اجداد سرخ‌پوست نداشته! اگر هم بعضی‌ها می‌گویند که او ریشـه «ژرمن» دارد، خواسته‌اند افکار را منحرف کننـد! بعضی افسانه‌سـرایان هم این موضوع را شایع کرده‌اند که «ترامپ» و «پوتین» برادرند. البته از دو مادر و یک پدر؛ شـاید هم از دو پـدر و یک مادر! اصلا چه اهمیتی دارد از دو مادر و دو پدر! مهم این است که افسانه ساخته شود و مخاطب پیدا کند که حالا هم پیدا کرده. کافی است سـری به بازار بزنید. انواع و اقسام اشـیا را می‌بینید که با عکـس «ترامپ» روانه بازار شده است. حتی برای بچه‌ها هم عروسک با سـر و کله «ترامپ» درسـت کرده‌اند. عینا با همان موهای عجیب و غریب زرد و دهان شبیه حالا مهم نیسـت کجای مرغ! آخر کسی نیست به سـازندگان این عروسـک بگوید آدم حسابی بچه این عروسـک را می‌خواهد چه کار؟ شاید شـما فکر کنید که مـن دارم اغراق می‌کنم، اما باور کنید همه اینها عین حقیقت اسـت. مردم در اینجا باورشـان این است که یک معجزه رخ داده که پس از سـال‌ها فردی در کاخ سفید به قدرت رسیده که کاملا به روسیه تمایل دارد و با خود آمریکایی‌ها دشمن است! مگر بهتر از این هم می‌شود!؟ بعضی‌ها هم برنامه‌ای طراحی کرده‌انـد که در چهار سـال ریاسـت‌جمهوری «ترامپ»، مردم آمریکا و روسـیه جایشـان را با هم عـوض کنند تـا این‌چنین با خیـال راحت زندگی کنند! دیگر دغدغه نداشـته باشـند که فـلان عضو کابینه یـا مقام بلندپایـه امنیتی با روسیه در ارتباط بوده. وقتی همه مردم آمریکا به مدت چهار سال جایشـان را با مردم روسیه عوض کردند، هیچ‌کدام از این مشکلات به‌وجود نخواهـد آمد. «ترامـپ» هم با خیـال راحت می‌تواند هـر «روس»ی را که خواسـت به هر مقامی منصوب کند. کسـی هم دیگر به او ایراد نخواهد گرفـت. این‌طوری بـرای «پوتین» هم خـوب خواهد بود. چون او که سـال‌ها آرزوی تسلط بر غرب را داشـته، پس از جابه‌جاشدن، با خیال راحت می‌تواند در کاخ سـفید بر غرب حکومت کند تا دلی از عزا درآورد! دنیا هم برای مدتی نفس راحتی خواهد کشید. چون دیگر نه مشـکلی از این‌طرف پیش خواهـد آمد و نه از آن‌طرف. فقط یک مشـکل کوچک پیش می‌آید و آن سـردرآوردن من از غرب است. من که به «شـرق» رفته بودم، یک‌دفعه با این جابه‌جایی سر از «غرب» درمی‌آورم که البته آن‌موقع همه خواهند فهمید که تعمدی نبوده، بوده؟

اتفاق

چگونه تنش را به سینما برگردانیم

پروژه‌ای در ۱۰ مرحله

گیسو فغفوری

«سـینما» هم مثل «پزشـکی» شـده اسـت که هرکس می‌تواند برای آن نسخه‌ای بپیچد و هرکس خود را برای بهبود آن صاحب حق می‌داند. هرکسی خـود را در آن موضوع صاحب‌نظر می‌داند و متوقع اسـت. مهم نیست کارگردانی است که امسال اولین فیلمش را ساخته و سیمرغ را برمی‌گرداند یا دیگرانی کـه رأی و نظـر داوران را بـی‌ارزش می‌داننـد. یاد بعضی نفرات تازه می‌شـود مانند مسعود ده‌نمکی - هنگامی که اولین فیلمش اخراجی‌ها را سـاخته بود - پرسـتویی به او که سـعی داشـت اختتامیه جشنواره فجر را به‌هم بریزد و مدام اعتراض می‌کرد، یادآوری کرد حرمت سـینما را حفظ کند. این روزها می‌توان ایـن تذکر را تکرار کرد تـا از ایجاد تنش در سـینما خودداری کنند؛ هرچند به نظر می‌رسـد این تنش در مراحل زیر آغاز شـده است و نیاز به تحکم در کنار تدبیر است.

۱- ماجرا از یک برنامه تلویزیونی آغاز شد؛ اما این بار فراتـر از نقد به فیلم بود. اتهام یا اطلاع‌رسـانی درباره دوتابعیتی‌بودن داوران مسائل خاصی را پدید آورد. پـس از آن بـود که منتقد برنامـه هفت برای پاره‌ای از توضیحات به کمیسیون فرهنگی رفت.

۲- مسـعود فراسـتی درباره چند فیلم سینمایی نظـرات خـود را مطرح کـرد و «گشـت ۲» را اثری مسـتهجن خوانده که نمی‌توان به اتفاق خانواده به تماشای آن نشست.

۳- امـا مرحلـه بعدی تنش و دخالـت از اینجا آغاز شـد که در جلسه کمیسـیون فرهنگی که علی مطهری، احمد سالک، احسـان قاضی‌زاده‌هاشمی، احد آزادی‌خواه و سـیدصادق طباطبایی‌نژاد در آن حضور داشتند، طبق این نظرات تصمیم گرفتند. قرار شـد این فیلم قبل از اکران از سـوی کمیسیون دیده شود و این آغاز یک دخالت آشکار در وظیفه‌ای است که برعهده سازمان سینمایی قرار داده شده است.

۴- با مشخص‌شدن اینکه مسعود فراستی چنین سخنانی را در محلی غیرسینمایی مطرح کرده است، کم‌کم نقدها آغاز شـد، مهرزاد دانـش و پس از آن حمید فرخ‌نـژاد و پرویز پرسـتویی از جمله افرادی بودند که اعتراض‌های اولیه را انجام داده‌اند.

۵- امـا متأسـفانه در دیـدار وزیر با کمیسـیون فرهنگـی ابعـاد تـازه‌ای آشـکار شـد. آن‌طورکه حجت‌الله ایوبی، رئیس سـازمان سـینمایی، عنوان کرده است اعضای کمیسـیون فرهنگی به نظرشان ضروری بوده است که فیلم‌ها را قبل از اکران ببینند و نظـر دهنـد. وقتی با ایـن ماجرا از طـرف رئیس سازمان مخالفت شـده، آنها درخواست کرده‌اند در شـورای پروانه نمایش حضور داشـته باشند. تا این میزان دخالت در کاری که شـاید حتی اطلاعی از آن نداشته باشند، کم‌نظیر است.

۶- اما مرحلـه بعدی این آتشـی که جرقه‌های آن معلوم شـده به سخنان رئیس سازمان سینمایی بازمی‌گـردد. او نه‌تنهـا عنـوان نکـرده اسـت که درخواسـت نمایش فیلم بـرای نماینـدگان عضو کمیسـیون فرهنگـی، تداخـل و به نوعـی خلاف، بلکـه این‌گونه اسـتدلال می‌کند: «وقتـی فیلمی را از تهیه‌کننـده می‌گیریـم، فقط یک بار بـرای پروانه شـورای نمایش ارائه می‌کنیم و از نظر شرع و قانون نمی‌توانیـم آن اثـر را بـرای افراد یا جـای دیگری نمایش دهیم».

۷- رئیس سازمان سینمایی البته با تحکم حضور نمایندگان مجلس در شـورای پروانـه نمایش را رد کـرده و درباره این خواسـته چندسـاله چنین گفته است: «مسئله با قوانین سازگاری ندارد؛ ضمن اینکه ما به‌هرحال استقلال قوا را از یکدیگر پذیرفته‌ایم».

۸- به‌هرحـال اکنـون این شـایعه بـا قدرت در حال انتشـار است که قرار اسـت چند فیلم از سوی نمایندگان دیده شـوند و در نهایـت برای اکران آنها تصمیم‌گیری شود. اتفاقی که با وجود سیاست‌مداری بر صدر سازمان سینمایی مانند حجت‌الله ایوبی باید هرچه زودتر به شکلی جلوی آن گرفته شود.

۹- هرچقدر نامه فرخ‌نژاد خطاب به منتقد هفت لحن تلخ و تحقیرآمیـزی دارد که این رفتار را در حد صندلی‌کش اعدامی و خالی‌شـدن جیـب می‌داند؛ اما به نکته مهمی اشـاره می‌کند و آن اینکه مسائل سینما باید در داخل سـینما حل شود و نباید چغلی کرد. همان‌طورکه پرستویی نیز در متنی در شبکه‌های اجتماعی گفته است که همه کوتاهی کردیم و نسبت به این اقدام از همان ابتدا پشت هم نبودیم.

۱۰- این مسـئله که مجوزهای سازمان سینمایی بی‌اعتبار شود، اتفاقی بس تنش‌زاست؛ هرچند خانه سـینما در این روزها در موضع ضعـف قرار دارد و نمی‌توان امیـدوار بود که با قـدرت حمایتی انجام دهد؛ اما آزمونی اسـت در برابر صالحی‌امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که همراه سازمان سینمایی باشد و بتواند جایگاه سینما را حفظ کند.

همین حوالی

نجات یک خانه تاریخی
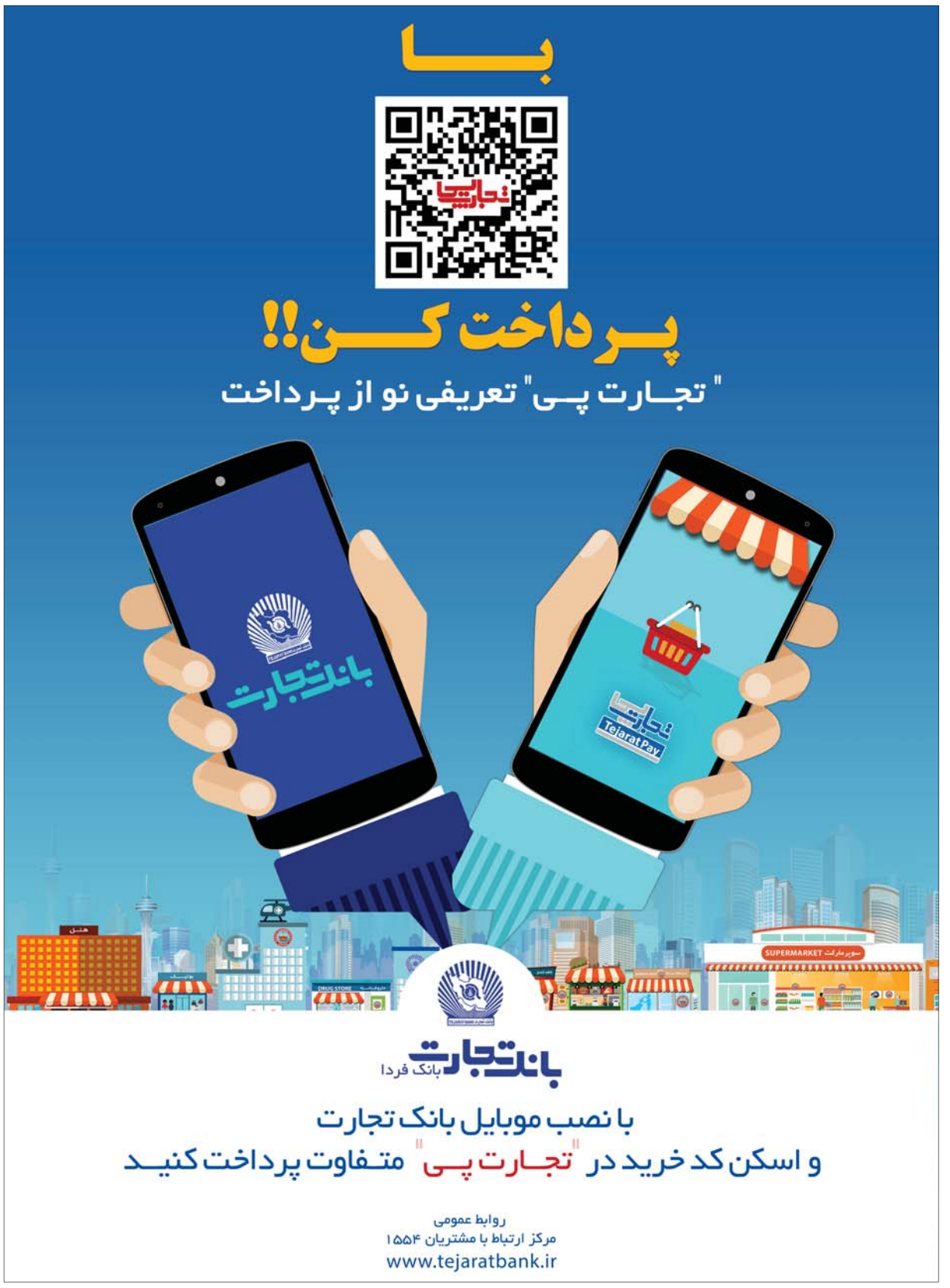
کمتر از یک هفته بعد از توجه رسانه‌ها به تخریب خانه تاریخی سپهبد امیراحمدی، کمیته امداد به عنوان مالک بنا از یک سو اعلام کرد که قصد تخریب این خانه را ندارد و از سوی دیگر، معاون میراث فرهنگی استان تهران قول داد این خانه تخریب نخواهد شـد. سپیده سـیروس‌نیا، معاون میـراث اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دسـتی و گردشـگری اسـتان تهران گفت: در مکاتبات اداری با کمیته امداد و شـهرداری منطقه ۱۱ از تخریب یا مزایده خانه تاریخی سـپهبد امیراحمدی جلوگیری شـد. به گفته او این ملک به لحاظ ارزش و قدمت تاریخی یکی از بناهای ارزشمند پایتخت به شمار می‌رود و بـه عنوان میراث فرهنگی باید حفظ شـود. سپهبد احمد امیراحمدی، نخستین سپهبد ایران و یکی از مهره‌های اصلی کودتای سوم اسفند، هشت بار وزیر جنگ، دو بار وزیر کشور، پنج بار فرماندار نظامی تهران، دو بار فرمانده کل ژاندارمری، سال‌ها فرمانده لشکرهای لرستان، آذربایجان و نیز ۱۶ سال عضو مجلس سنا بود. خانه سپهبد امیراحمدی با قدمتی از اواخر دوره قاجار به مسـاحت هفت هـزار مترمربـع در خیابان حافظ، نرسیده به میدان حسن‌آباد، بین خیابان‌های پیام انقلاب و شهید محمدعلی سیدصدری قرار دارد.